



گفت و گو با عبدالله احراری، پژوهشگر حوزه فرش دست باف به بهانه ثبت ملی فرش بلوچ تربت حیدریه

میراثی باریشه‌های عمیق در خراسان

طین همتی

گزارش روز

ثبت ملی فرش بلوچ تربت حیدریه در چند روز اخیر را می‌توان گامی مهم در مسیر شناسایی و پاسداشت یکی از اصیل‌ترین گونه‌های فرش دست باف شرق ایران دانست؛ فرشی که نه تنها در جغرافیای فرهنگی خراسان، بلکه در بازارهای جهانی فرش هویتی شناخته شده دارد. این دست بافته ریشه دار، با تکیه بر رنگ بندی محدود و تیره، ساختار عشایری، بهره‌گیری از پشم و موی بز، نقوش انتزاعی و گلیمک‌های متمایز، سال‌هاست به عنوان یکی از نمونه‌های شاخص قالیچه‌های بومی خراسان شناخته می‌شود. با این حال، کارشناسان حوزه فرش معتقدند که ثبت ملی، اگرچه اقدامی ارزشمند و نمادین است، اما به تنهایی نمی‌تواند ضامن احیای این هنر صنعت باشد؛ هنری که در سال‌های اخیر به دلایل مختلف از جمله افول بازارهای صادراتی، تغییر ذائقه بازار و بی‌توجهی نهادی، با کاهش تولید و کم‌رنگ شدن مراکز اصیل بافت روبه‌رو شده است. عبدالله احراری، پژوهشگر حوزه فرش دست باف، با اشاره به پیشینه و جایگاه فرش بلوچ خراسان، از ظرفیت‌های کم‌نظیر این دست بافته و درعین حال، تهدیدهای جدی پیش روی آن سخن گفت.

● بلوچ خراسان، شناخته‌شده در ادبیات جهانی فرش احراری با بیان اینکه فرش بلوچ خراسان در سطح جهانی شناخته شده است، گفت: در دنیای تجارت فرش، بلوچ خراسان جایگاه مشخصی دارد و دست‌کم چهار نفر از سرشناسان دنیا کتاب‌هایی درباره این قالیچه‌ها نوشته‌اند و مقالات متعددی نیز در معرفی آن منتشر شده است. وی افزود، خود هم توفیق داشتم مجری طرحی برای مرکز ملی فرش با عنوان شناسایی و ریشه‌یابی طرح‌ها و نقوش قالی بلوچ خراسان باشم.

● گستره جغرافیایی فرش بلوچ این پژوهشگر با اشاره به محدوده جغرافیایی بافت این فرش‌ها بیان کرد: آنچه به عنوان بلوچ خراسان شناخته می‌شود، در نوار مرزی خراسان رضوی از سرخس آغاز می‌شود و تا نزدیکی سیستان امتداد دارد. او ادامه داد: حتی برخی اقوام عرب ساکن فردوس و طیس نیز تولیداتی داشته‌اند که در زمره قالیچه‌های بلوچی خراسان شناخته می‌شود. همچنین قالیچه‌هایی که در گذشته در ریجستان و روستای یونسی بافته می‌شده در همین دسته قرار می‌گیرد، هرچند متأسفانه امروز شمار آن‌ها بسیار اندک شده است.

● هفت قوم، یک هویت مشترک احراری با بیان اینکه فرش بلوچ خراسان

به گفته او، حدود ۶۰ درصد از قالیچه‌های بلوچ خراسان در داخل ایران و حدود ۴۰ درصد در خارج از ایران، به ویژه افغانستان، تولید می‌شود و بخش کوچکی سهم پاکستان است.

● بازار اصلی فروش قالیچه‌های بلوچ احراری درباره بازارهای اصلی این فرش‌ها توضیح داد: بازار اصلی فروش این قالیچه‌ها در گذشته سرای سعید و سرای امیر مشهد بوده، تربت حیدریه همچنین یکی از مراکز مهم مبادله آن به شمار می‌رفته و بیرجند هم سومین بازار اصلی این قالیچه‌ها بوده است

● ثبت ملی؛ اقدامی مثبت اما ناکافی این پژوهشگر حوزه فرش دست باف در عین حال نسبت به آثار عملی ثبت ملی نگاه انتقادی داشت و افزود: به نظرم ثبت ملی، اگرچه اقدامی خوب است، اما برای فرش بلوچ کمی دیر اتفاق افتاده، چون امروز دیگر در بسیاری از مناطقی که زمانی مراکز ناب تولید این قالیچه‌ها بودند، اثر چندانی از آن نمی‌بینیم. وی افزود، قالیچه‌های بلوچ عمدتاً صادراتی بودند و بازار اصلی شان کشورهای غربی و آمریکا بود، اما بعدها تحت تأثیر موج تابلوفرش و گرایش به نقوش شهری تبریز، قم و کاشان قرار گرفتند و به تدریج از رونق افتادند. احراری با لحنی انتقادی تصریح کرد: این ثبت‌ها بیشتر جنبه نمادین دارند. فرش امروز متولی ندارد، سازمان ندارد و دلسوز ندارد. وقتی یک هنر صنعت بیمار است، ثبت به تنهایی درمانش نمی‌کند، این حوزه نیازمند حمایت جدی، سیاست‌گذاری و احیاست.

● در خراسان چه سبک‌هایی از فرش وجود دارد؟ احراری فرش‌های خراسان بزرگ را به دو دسته فرش‌های قومی و فرش‌های شهری تقسیم می‌کند و می‌افزاید: مهم‌ترین گروه‌های قومی تولیدکننده فرش در خراسان عبارت‌اند از: قالیچه‌های بلوچ خراسان، فرش‌های ترکمنی و بافته‌های کردی خراسان که از آن‌ها با عنوان سفره‌های کردی خراسان یاد می‌شود.

او توضیح می‌دهد: این نوع فرش‌ها اصالت بیشتری دارند و نقوش آن‌ها به ریشه‌های فرهنگی و قومی نزدیک‌تر است. در مقابل، فرش‌های شهری خراسان شامل فرش مشهد، نیشابور، سبزوار، کاشمر و فرش بیرجند یا مود بیرجند است. این فرش‌ها معمولاً در بستر سفارش، کارگاه، طراح، رنگ‌رز و ساختار حرفه‌ای‌تر شکل گرفته‌اند و بیشتر به بازار و تجارت نزدیک بوده‌اند.

● تفاوت فرش‌های قومی و شهری احراری درباره تفاوت این دو گونه گفت: فرش‌های قومی پک‌ترند و نقوش آن‌ها به اصالت نزدیک‌تر است، اما فرش‌های شهری بیشتر تحت تأثیر بازار، سفارش و تجارت قرار دارند. او با اشاره به نمونه‌های برجسته فرش شهری در خراسان افزود: آنچه در مشهد در دوره پهلوی اول و دوم در کارگاه‌هایی مانند عمواغلی و صابر (قدیمی‌ترین برندهای فرش دست باف ایران) بافته شده، با آنچه در کاشمر و بیرجند در قالب کارگاه‌ها و شرکت‌های بزرگ شکل گرفته، همه نمونه‌های از تولیدات شهری هستند که با پشتوانه طراح، کارفرما و بافنده حرفه‌ای خلق شده‌اند.

● اشاره‌ای به درگذشت یکی از پیش‌کسوتان فرش نیشابور احراری در ادامه از مرحوم حاج یوسف زرن‌دی یاد کرد و گفت: ایشان از فعالان و مدبران کارگاهی حوزه فرش در نیشابور بودند و بخشی از تولید فرش‌های بزرگ پارچه از جمله فرش‌های چند هزار متری در کارگاه ایشان انجام شد و حیف که این جنبه‌ها به مرور از بین ما حذف می‌شوند. احراری در پایان افزود: ثبت ملی فرش بلوچ تربت حیدریه را می‌توان فرصتی برای جلب توجه دوباره به یکی از ارزشمندترین دست بافته‌های شرق ایران دانست، فرشی که ریشه در تاریخ، جغرافیا و تنوع قومی خراسان دارد و در ادبیات جهانی فرش نیز شناخته شده است.

با این حال، اگر ثبت ملی با برنامه‌ریزی برای حمایت از بافندگان، احیای بازار، مستندسازی نقوش، آموزش نسل جدید و تقویت صادرات همراه نباشد، نمی‌تواند به تنهایی مانع افول این میراث کهن شود.

معرفی کتاب «هنر» اثر کلاویول، از متون کلاسیک و جریان ساز در علم زیبایی‌شناسی

متنی در باب اهمیت فرم

رآتوجیه می‌کند. همه ما اهمیت فوق العاده هنر را حس می‌کنیم؛ فرضیه من دلیل می‌آورد که چرا این طور است. در واقع، از دید من، مزیت بزرگ این فرضیه آن است که به نظر می‌رسد چیزی را توضیح می‌دهد که درست بودنش را باور داریم. هر کسی که کنج‌کاو است بدانند چرا فرش ایرانی یا نقشی از پی‌یرودافرانچسکا را اثر هنری می‌دانیم، اما پیکره نیم تنه ای از هادریان [امپراتور روم] یا تصویر معمایی مشهوری را زبانه خطاب می‌کنیم. پاسخش را اینجا پیدا می‌کند.»

این نظریه پرداز البسته به پیچیدگی علم زیبایی‌شناسی هم اشاره کرده و نوشته است: «تلاشم این بوده تعمیمی از

نوعی احساس خاص ایجاد می‌کنند که با احساسات روزمره (مثل شادی، غم یا خشم) متفاوت است. ما این عاطفه را تنها در پاسخ به «فرم معنادار» تجربه می‌کنیم. از نظر بل، هرچه یک اثر هنری بیشتر به واقعیت وفادار باشد (تقلیدی باشد)، احتمال اینکه از هنر دور شود بیشتر است. او معتقد بود بازنمایی در بهترین حالت بی اهمیت و در بدترین حالت حواس پرت کننده است، زیرا نگاه ما را از فرم به سمت محتوای زندگی روزمره منحرف می‌کند.

بل در پیشگفتار کتاب درباره آنچه تلاش داشته در این کتاب بگوید، نوشته است: «در این کتاب کم حجم تلاش کرده‌ام نظریه‌ای جامع درباره هنر تجسمی ارائه کنم. اینجا فرضیه‌ای مطرح کرده‌ام که براساس آن می‌توان اعتبار همه دآوری‌های زیبایی‌شناختی را سنجید، ولی صحتشان را نه در پرتو این فرضیه، تاریخ هنر از عصر پارینه سنگی تا امروز فهم پذیری می‌شود و باتکیه بر آن می‌توان پشتوانه‌ای عقلانی برای باوری بسیار قدیمی و تقریباً عالم گیر دست و پا کرد. همه وجود تفاوت واقعی بین آثار هنری و سایر ایزه‌ها را قلباً باور دارند، فرضیه من این باور

خادم

کتاب «هنر» (Art) اثر کلاویو بل (Clive Bell) منتقد برجسته انگلیسی که نخستین بار سال ۱۹۱۴ منتشر شد، از متون کلاسیک، بسیار مهم و تأثیرگذار در نظریه هنر و زیبایی‌شناسی قرن بیستم محسوب می‌شود. این اثر را سنگ بنای «فرمالیسم» می‌دانند که تأثیر عمیقی بر نحوه درک و نقد هنر مدرن داشت.

پرسش اساسی بل در این اثر این است: «چه ویژگی مشترکی در تمام اشیایی که ما را تحت تأثیر قرار می‌دهند وجود دارد؟» پاسخ او در یک عبارت مشهور خلاصه شد: «فرم معنادار». از نظر بل، آنچه یک شیء را به اثری هنری تبدیل می‌کند به محتوا، روایت، بازنمایی و واقعیت یا اخلاقیات وابسته نیست، بلکه آنچه یک شیء را به اثر هنری تبدیل می‌کند، ترکیبی از خطوط، رنگ‌ها و اشکال است که به شیوه‌ای خاص با هم مرتبط شده‌اند. این روابط فرمی، فرم معنادار را می‌سازند.

او استدلال می‌کند که آثار هنری در مخاطب



طلای گلدن شات ۲۰۲۶ نصیب عکاس ایرانی شد



طلای گلدن شات ۲۰۲۶ نصیب عکاس ایرانی شد. تصویر هوایی مرتضی آخوندی از مراسم باشکوه تشییع ۱۶۸ دانش آموز شهید در میناب، جایزه نخست گلدن شات ۲۰۲۶ را برای این عکاس ایرانی به ارمغان آورد. به گزارش خبرگزاری دانشجو، مرتضی آخوندی، عکاس

ایرانی، به دلیل تصویر هوایی تحسین شده اش از مراسم تشییع جنازه باشکوه ۱۶۸ دانش آموز شهید در میناب، مقام اول جوایز معتبر گلدن شات ۲۰۲۶ را از آن خود کرد. عکسی که با روایت بصری ترکیب بندی خود در جهان موجی را ایجاد کرد.

آفریقا و هویزه مشهد در جمع پرمخاطب‌های تماشای فوتبال



دومین بازی تیم ملی ایران در رقابت‌های جام جهانی تا ساعتی دیگر در برابر تیم ملی بلژیک در حالی آغاز خواهد شد که مخاطب با آمار ثبت شده در سامانه سفا تا لحظه تنظیم این خبر ۲۱ هزار و ۳۰۵ مخاطب در ۱۰۷ سینما در سراسر کشور به تماشای این بازی مهم بر روی

برده نقره‌ای نشستند. مطابق با آمار پیش فروش بلیت‌ها، سینما آفریقای مشهد با ۶۰۵ مخاطب در رتبه چهارم و پردیس سینمایی هویزه مشهد با ۳۳۹ مخاطب در رتبه یازدهم این فهرست برای بخش بازی تیم ملی فوتبال ایران در برابر تیم ملی بلژیک در مسابقات جام جهانی قرار گرفتند.

میرکرمی و مهدویان مستند تشییع رهبری را می‌سازند



رضا میرکرمی، محمدحسین مهدویان و حامد شکیبانیا سرپرست گروه‌های مستندسازی تشییع رهبر شهید هستند. به گزارش شهرآرانیوز، از زمان آغاز جنگ تحمیلی سوم و شهادت رهبر معظم انقلاب، برنامه‌ریزی برای پوشش تصویری مراسم تشییع و عزاداری رهبر شهید آغاز شد. در آن روزها و در بحبوحه موشک باران، گروه‌های مختلف مستندسازی در سراسر تهران (و دیگر شهرها) با مستقر شدن در مناطق مختلف به ثبت تصاویر سوگاری مردم برای رهبر شهید پرداختند. رضا میرکرمی سازنده «به جبهه قند»، «دختر» و «قصر شیرین» در حوزه هنری، سرپرستی تولید مستند درباره مراسم وداع با رهبر شهید را برعهده دارد و قرار است تیمی از مستندسازان، او را در این پروژه یاری کنند. میرکرمی که در آغاز فیلم‌سازی چند مستند کارگردانی کرده بود و مستندهای ورزشی‌اش درباره صعود تیم ملی فوتبال ایران به جام جهانی دیده شد، مدت‌هاست از دنیای فیلم‌سازی مستند فاصله گرفته است. محمدحسین مهدویان، فیلم‌ساز پرکار این روزهای سینمای ایران هم، سابقه مستندسازی دارد و در کارنامه‌اش مستند جذاب «تور سرچشمه» درباره شهید بهشتی ثبت شده است، او که مدت‌هاست پای ثابت کارگردانی و تهیه‌کنندگی سریال‌های شبکه نمایش خانگی است، قرار است با همراهی تیمی از مستندسازان، تصویربرداری و مستندسازی درباره تشییع رهبر شهید را برعهده داشته باشد. حامد شکیبانی، تهیه‌کننده مستندهای «هیچکس نتواند»، «تولد در زمین سوخته» و ... همراه با مهدی شامحمدی کارگردان «هجده هزار» را، سرپرستی تیم تصویربرداری و ساخت مستند درباره مراسم تشییع را برعهده دارند. آن‌ها در تهران، قم و مشهد تصویربرداری خواهند داشت.

مستند افخمی درباره حضور غیرایرانیان در مراسم تشییع رهبر شهید



پیش تولید مستند سینمایی «حال خونین دلان ۲. پهلوان جهان» به کارگردانی بهروز افخمی با محوریت روایت حضور دلدادگان غیرایرانی در آیین تشییع رهبر شهید، آغاز شد. «حال خونین دلان ۲ با تمرکز بر حضور چهره‌ها و گروه‌هایی از کشورهای مختلف جهان، روایتگر تلاش افرادی

است که برای شرکت در آیین تشییع رهبر شهید، خود را از نقاط مختلف جهان به ایران می‌رسانند. این مستند می‌کوشد ابعاد انسانی، فرهنگی و فراملی این رویداد را از خلال روایت‌های شخصی و سفرهای مخاطبان غیرایرانی به تصویر بکشد. در این اثر، علاوه بر ثبت لحظات مراسم، زمینه‌های شکل‌گیری پیوند عاطفی و فکری میان شخصیت‌های حاضر و رهبر شهید نیز مورد توجه قرار خواهد گرفت و روایت‌هایی کمتر شنیده شده از این حضور بین‌المللی به تصویر کشیده می‌شود.

ساخت مستندی درباره هم بستگی ایرانیان مقیم اتریش در جنگ



مستند «ایران جان» با اهتمام رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در اتریش تولید شد. به گزارش خبرگزاری مهر، با اهتمام رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در اتریش (خانه حکمت ایرانیان در وین)، پروژه تولید مستند «ایران جان» با زیرعنوان «روایت همدلی، غیرت و امید در روزهای سخت ایران» به عنوان یک اثر ترکیبی در مدت زمان ۳۵ دقیقه تولید و پخش شد. این مستند تحت مدیریت اجرایی صفورا میرازی فیلم برداری و تدوین خود را سبزی کرده است. هدف اصلی این مستند بازتاب دیدگاه‌ها، دغدغه‌ها و همبستگی بخشی از جامعه ایرانیان مقیم خارج از کشور (اتریش) در رویارویی با تحولات ایام جنگ تحمیلی سوم ساخته شده است. ساختار محتوایی این اثر بر پایه گفت و گو با هجده تن از نخبگان، فرهیختگان و اقشار مختلف جامعه ایرانی مقیم اتریش از جمله استادان دانشگاه، معلمان، دانشجویان، دانش‌آموزان، هنرمندان، فعالان عرصه صلح، فعالان فرهنگی و مذهبی و شهروندان دغدغه‌مند شکل گرفته است.

آغاز تصویربرداری سریال «دو وجب و نیم»



سریال «دو وجب و نیم» به کارگردانی نیما هاشمی با سبزی کردن مرحله پیش تولید، مقابل دوربین حمید شکوهی مدیر فیلم برداری این اثر رفت. به گزارش خبرگزاری مهر، مهدی امینی خواه، نیما هاشمی، خشایار راد، شیوا خسرومهر، اسدا... یکتا، احمد ایراندوست، نیما شمس و داریوش سلیمی بازیگرانی هستند که در این سریال پنج قسمتی به ایفای نقش می‌پردازند.



۲۳ شنبه
۱ آذر ۱۴۰۵
۲۳ شهریور ۱۴۰۵

